

راز شیدایی

مجموعه غزل

شیدا اعرابی

۱۳۹۵



کتابخانه
پارسیان

سرشناسه: اعرابی، شیدا
عنوان و نام پدیدآور: راز شیدایی: مجموعه غزل/ شیدا اعرابی.

مشخصات نشر: تهران: فرهنگ مانا، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۲۸ ص.؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸۶۰۰۷۵۷۱۴۹۱

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: 20th century -- Persian poetry

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵: ۲ ۴۱۴/ع/PIR۸۳۳۴

رده بندی دیویی: ۸۱۴/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۴۶۲۹۰



فرهنگ مانا
FARHANG-e MANA

راز شیدایی
مجموعه غزل

شیدا اعرابی

صفحه آرا: یاسر عزآباد

طراح جلد: محمد رضا چشمه

ویراستار: شهرام فروغی مهر

شمارگان: ۱۲۰۰

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵

نشر: فرهنگ مانا

لیتوگرافی: ماورا

چاپ: زیتون سبز

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۷۱-۴۹-۱

قیمت: ۱۲۶۰۰ تومان

همه ی حقوق برای ناشر محفوظ است!

فهرست اشعار

۷	مقدمه
۱۵	راز شیدایی
۱۷	بهار
۱۹	خورشید
۲۱	موج سرگردان
۲۳	گاه تو
۲۵	تقاریر
۲۷	گل شادی
۲۹	سکوت فرد
۳۱	خسته
۳۳	حصار
۳۵	قرار
۳۷	عاشقانه
۳۹	ضرب المثل
۴۱	دلتنگی
۴۳	جام شکسته
۴۵	فردا
۴۷	عاشق شیدا
۴۹	شرح غم
۵۱	آتش جان
۵۳	غوغای عشق
۵۵	اندوه دلتنگی
۵۷	انتظار تو
۵۹	ابر تیره

۶۱	هوای تو
۶۳	چشم تو
۶۵	شکایت
۶۷	فرصت
۶۹	ابر بارانی
۷۱	مهر تابان
۷۳	شور غزل
۷۵	دل‌تنگی‌ها
۷۷	دوست دارم
۷۹	بانو
۸۱	قمار عشق
۸۳	شب فراق
۸۵	افسانه‌ی عشق
۸۷	هار بی تو
۸۹	باغ من دی
۹۱	زبان عشق
۹۳	خوال بر
۹۵	وادی منم
۹۷	نمی دانم
۹۹	کاش
۱۰۱	چشم انتظار
۱۰۳	وصف تو
۱۰۵	نقش خیال
۱۰۷	من و تو
۱۰۹	عطر گیسو
۱۱۱	پنهان
۱۱۳	سراب
۱۱۵	یوسف رویایی
۱۱۷	ماه و خورشید
۱۱۹	مرغ عشق
۱۲۱	عشق تو
۱۲۳	غم عشق
۱۲۵	جوانی

مقدمه

دفتری که پیش رو داریم مجموعه‌ای از غزل‌های بانو "شیدا اعرابی" شاعری از دیار رینده رود است که مهد فرهنگ و پرورش شاعران بزرگ بوده است از گذشته تا اکنون. او دانش آموخته‌ی رشته‌ی روانشناسی تا مقطع فوق لیسانس است و به خاطر عشق و علاقه و استعدادی که در زمینه‌ی شعر و ادبیات داشته، از سال‌های جوانی به سرودن پرداخته و گاهی نیز در انجمن‌های ادبی مصفهان حضور داشته است. او سال‌هاست که می‌نویسد و اکنون در این دفتر نمونه‌هایی از غزل‌های او را می‌خوانیم که نشان از استعداد ادبی و توانایی‌های ذهنی او دارد. من فکر می‌کنم که اگر از سال‌های پیش به صورت جدی و با شناخت دقیق و علمی نسبت به شعر و قالب غزل به کار سریش می‌پرداخت، اکنون خیلی بیش از اینها در غزل، به رشد و پیدارسایی دست یافته و شناخته شده بود. غزل‌های او سراسر شور و وجد و حال و موسیقی است و ریشه در روح ناآرام و پیوسته در حرکت او دارد و آنچه بیش از همه در غزل‌های او به چشم می‌آید همین نشاط و سرزندگی و امید به حرکت است. در این سطور کوتاه به بررسی غزل‌های او از جهت زبان و بیان می‌پردازیم:

الف: زبان

زبان در شعر بانو شیدا در نوسان و رفت و برگشت است یعنی گاهی کهنه و قدمایی و گاهی نو و امروزی است. آنجا که اشعارش از زبان کلاسیک بهره گرفته اند مربوط به سال‌های گذشته است و آنجا که زبان نو و تازه شده است، اشعاری است که به تازگی سروده است. در خصوص زبان کلاسیک اشعار او می‌توانیم بگوییم که این مساله ریشه در ذهنیت شاعر نسبت به زبان و کارکرد آن در ساخت شعر دارد که به پیروی از ذات شاعرانه‌ی خود و تحت تاثیر غزلیات شاعران بزرگ کلاسیک به آن سمت کشیده شده و تاثیر پذیرفته است اگرچه این تاثیربازی در آغاز کار سرایش هر شاعری، نمی‌تواند عیب و ایراد به حساب آید زیرا همه‌ی شاعران در این مرحله به تاثیر از پیشینیان و تقلید از آنان و پس از آنان پرداخته اند و در طول زمان با رشد فکری و ذهنی به زبان و بیان تازه‌ای خاص خویش دست یافته اند و بانو شیدا نیز از این قاعده مستثنی نیست. اما اکنون قدم در راهی نهاده است که بر اساس شناخت زبان شعر امروز به سرایش غزل می‌پردازد و مطمئناً در آینده غزل‌های نو و ارزشمندی از او خواهیم خواهند. اکنون به ذکر چند نمونه می‌پردازیم:

نمونه (۱)

بی قرارم بی قرارم بی قرار روی تو
غرقه‌ی شرم و گناه‌م بس پشیمان آمدم
خسته‌ام از دست صیادان و دام روزگار
بهر دیدار تو با اندوه دوران آمدم..! (مهر تابان)

نمونه (۲)

اهل دل و عشق می شناسد حال
از قصه‌ی عشق من مثل می سازد
عشقت شده رویای شب و روز دلم

دل در طلبت قصر امل می سازد.....! (افسانه عشق)

در این دو نمونه ما با کلمات و ترکیباتی کلاسیک مواجهیم که به قدرت و تازگی کلام آسیب رسانده است. این کلمات و ترکیبات در غزل کلاسیک بسیار استفاده شده اند و دیگر نمی‌توانند در ساخت زبانی شعر امروز کارایی داشته باشند. استفاده از آنها سطح غزل‌ها را تحت تاثیر قرار داده و زبان و بیان غزل‌ها را نسبت به غزل‌های تازه تر، دچار نوعی کهنه رایج کرده و از ارزش ادبی آنها کاسته است که عبارتند از:

بس / روزگار / اندوه دور / اید / اهل دل / قصه‌ی عشق / قصر امل / غم معبود / افسانه‌ی عشق و ...

از اینگونه موارد در غزل‌های این دفتر با هم می‌توانیم ذکر کنیم که نشان از توجه و تاثیرپذیری ذهنی شاعر از ادبیات کلاسیک است اگرچه در مقابل آنها نمونه‌های بسیار تازه‌ای از کلمات و ترکیبات نو وجود دارد که باعث قدرت و افزایش ارزش ادبی غزل‌ها را این دفتر شده است و ما را با توجه به نو شدن زبان غزل‌ها، تحت تاثیر قرار داده است. اکنون به ذکر چند نمونه می‌پردازیم:

نمونه (۳)

تو کوه غروری و منم دره‌ی خاموش

در زیر قدم‌های تو من فرش زمینم.....! (تقدیر)

در این غزل ما با زبان تازه‌ای از شاعر روبه رو می‌شویم که بسیار زیبا و

دلنشین است و ترکیبات "کوه غرور"، "دَره‌ی خاموش" و "فرش زمین" در کنار هم به یک تناسب شاعرانه و زیبایی رسیده است که حاصل توجه و نگاه تازه‌ی شاعر به زبان و ساخت ترکیبات در غزل امروز است.

نمونه (۴)

چون موج سرگردان دریا بی شکیم
از فرصت آرامش اقاما بی نصیبم.....! (موج سرگردان)
در این غزل نیز زبان نو و تازه است و کلمات و ترکیبات و ساخت شاعرانه‌ای دارد که بر زبان گذشته‌ی شاعر سایه افکنده است و این ساله همان حرکت رو به رشد شاعر است در یافتن زبانی نو برای بیان غنا، ایش. مثلاً: ترکیب "فرصت آرامش" با توجه به سرگردانی امواج دریا، در استخراج اول آمده است، بسیار زیباست و نشان از رسیدن شاعر به راه تازه برای بیان ذهنیات شاعرانه اش دارد. این راه تازه همان درک زبان امروز در غزل است که از معجرای ساخت و به کارگیری کلمات و ترکیبات امروزی دست یافتنی شده است.

نمونه (۵)

همچو خورشیدی که تا نامت به دنیا می‌رسد
فرصت این روشنایی تا به فردا می‌رسد
روزهایم گرم دیدار و نگاه صبح توست
این غزل با عشق تو تنها به فردا می‌رسد
ابر باران نگاهت تا که می‌بارد به ناز
سینه‌ی تفتیده‌ام گویی به دریا می‌رسد
عشق از نام تو و دیدار تو می‌تابد و

زندگی با چشم تو هر دم به معنا می‌رسد
دوری اما مثل خورشید غزل گرم و بلند
با نگاه تو دل و دستم به رویا می‌رسد! (غزل خورشید)

نمونه (۶)

تو در خیال منی سهم من همین باشد
ار این خیال همیشه دلم غمین باشد
ممن چو قلعه، خاموش و خالی و تنها
که در مرزهای بی امان چنین باشد
ببار بر سر تهاجم به هربانی‌ها
تو که تمام دلت سنی زده باشد
شدم چو تکه‌ی سنگی کنار مانده تو
تمام خستگی جان و تن ار این باشد
سکوت سرد بیابان، هوای گریه و آب

تمام سهم من از عشق تو همین باشد! (غزل سکوت سرد)

من دو غزل "خورشید" و "سکوت سرد" را جز بهتار غزل‌های این دفتر می‌دانم چرا که زبان در این دو بسیار تازه و نو است و با توجه به آنچه در سطور پیشین گفتیم نشان از حرکت رو به رشد و پیم رفت شاعر در شناخت زبان غزل امروز و ساخت‌های تازه دارد که بهر جای امیدواری است. شاعر با این حرکت و تغییر و شناخت زبانی فراروی از زبان کلاسیک و بسته‌ی اشعار قدیمی ترش، نشان داده است که می‌تواند خیلی بیشتر از این پیش بیاید و در عرصه‌ی غزل امروز به تعالی و تکامل برسد. نمونه‌های دیگری از این دست غزل‌ها در این دفتر می‌توانیم بیابیم که نشان از حرکت صحیح شاعر دارد. از

ذکر کلمات و ترکیبات تازه‌ی این دو غزل و زیبایی‌های آنها می‌گذرم و مخاطب را به خوانش دوباره‌ی آنها دعوت می‌نمایم.

ب: بیان

غزل‌های این دفتر متکی بر تصاویری است که بر اساس آرایه‌های ادبی مانند: تشبیه، استعاره، نمادپردازی و ... ساخته و پرداخته شده اند اگرچه تشبیه بار بیشتر تصاویر شعر را بر دوش گرفته است اما حضور دیگر آرایه‌ها را نیز می‌بینیم که به غنای غزل‌ها کمک شایانی کرده است. نکته‌ای که در غزل‌های این دفتر دیده‌ام و به نظرم ریشه در نگرش شاعر به شعر یا تولید اثر ادبی دارد این است که شاعرش را با همان اولین جرقه‌ها یا الهامات شاعرانه می‌نویسد و پیش می‌برد و بعداً خیلی کمتر اتفاق افتاده است که در آن دخل و تصرفی بشاید و آن نشان از سهل و آسان گرفتن کار دارد و به همین دلیل است که به تشبیه بیش از سایر آرایه‌ها توجه نشان داده است زیرا این آرایه دم دستی ترین شیوه در این شاعرانه است و پیچیدگی‌های استعاره و نمادپردازی و ... ندارد. همچنین می‌توانیم بگوییم که بیان در غزل‌های بانو شیدا بر مضمون سازی‌ها یا روایت‌های تک ساختی استوار است به این معنا که بیان در یک بیت ساخته و پرداخته می‌شود و در همان بیت نیز به پایان خودش می‌رسد و نمی‌تواند از روایت خطی یا مضمون سازی‌های شعر کلاسیک عدول کند و به بیان روایی یا محاوره‌ای و روایتی دیگرگونه دست نیابد. این نکته همانطور که گفتیم به مرور و در برخی از غزل‌ها برطرف شده است یا ساخت شاعرانه و بیان آنها از قدرتی برخوردار شده است که حاصل شناخت تازه‌ی او نسبت به جهان شاعرانه است و این بسیار جای امیدواری است که شاعر در آینده به غزل‌هایی از جنس زبان و بیان

پیشرفته ترین غزل‌های امروز شعر فارسی دست یابد. در این جا به
ذکر چند نمونه می‌پردازم:

نمونه (۷)

باغ سکوت و خلوت اندیشه را
در بارش شعر و سخن وا می‌کند.....! (شور غزل)

نمونه (۸)

لب گل آبر باشد به چهره تا همیشه
طرز قشنگ چیدنش را دوست دارم.....! (دلتنگی‌ها)

نمونه (۹)

تا ابر اندوه است دور از چشم من تاد
بر باغ تن باریدنش را دوست دارم
هرچند گل در باغ لب‌هایش شکفته
عطر دلاویز تنش را دوست دارم.....! (دوست دارم)

نمونه (۱۰)

شب فراق تو هر شب مرا شب یلداست
اگرچه بزم خوشی نزد دیگران برپاست (شب فراق)

نمونه (۱۱)

کاش عشق تو چراغی بود در کاشانه‌ام
تا به عشقت این شب اندوه را آخر کنم! (خیال تو)

نمونه (۱۲)

غم عشقت اگرچه توفان است

عشق تو روشنای جان باشد

در دلم آفتاب تو تابید

عشق، باران بی امان باشد...! (باغ شادی)

شاعر در این نمونه‌ها، به زبان و بیانی تازه و خوش ساخت از جنس غزل امروز فارسی دست یافته است که نشان از حرکت آگاهانه و شناخت دقیق او از ساحت شعر امروز دارد و به نظر فقط نیاز به زمان دارد تا آن من وجودی تغییر یافته‌ی خویش را در غزل‌های آینده این به شکوفایی و ثبوت برساند. من بانو شیدا را شاعری با استعداد و خوش سوت، و آینده دار می‌دانم و معتقدم که در آینده غزل‌هایی از او خواهیم خواند که نشان دهنده‌ی این شناخت و رشد و حرکت او در عرصه‌ی غزل امروز خواهد بود.

به امید موفقیت‌های بی‌سابقه‌ی بانوی فرهیخته!

شهرام فروغی مهر

فروردین ۹۵ / اهواز